تئاتر برای بچه‌ها

راهنمای نویسندگی، اقتباس، کارگردانی و بازیگری تئاتر کودک و نوجوان

نوشته

دیوید وود

با همکاری

ژانت گرانت

ترجمه

رکسانا شاه‌جانی

سیدحسین فدایی‌حسین

با نظارت

دکتر مجید سرسنگی

به مناسبت چهاردهمین جشنواره سراسری تئاتر کودک و نوجوان

اصفهان ٦ تا ١٠ آبان ماه ١٣٨٦

www.ketab.ir

سرشناسه:	وود، دیوید، ۱۹۴۴ ـ م. Wood, David
عنوان و نام پدیدآور:	تئاتر برای بچه‌ها: راهنمای نویسندگی، اقتباس، کارگردانی و بازیگری تئاتر کودک و نوجوان / نوشته دیوید وود، با همکاری ژانت گرانت؛ ترجمه رکسانا شاه‌جانی، حسین فدایی حسین؛ با نظارت مجید سرسنگی.
مشخصات نشر:	تهران: نمایش (انجمن نمایش)، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری:	۵۳۶ ص.
شابک:	97896427475269
وضعیت‌فهرست‌نویسی:	فیپا
یادداشت:	عنوان اصلی: theatre for children: guide to writing, adapting, directing and a cting, c 1999.
یادداشت:	کتابنامه به صورت زیرنویس
موضوع:	نمایش کودکان و نوجوانان.
موضوع:	نمایش ـ ـ تهیه و کارگردانی.
شناسه افزوده:	گرانت، جانت، ۱۹۵۷ ـ م.
شناسه افزوده:	Grant, Janet
شناسه افزوده:	شاه‌جانی، رکسانا، مترجم
شناسه افزوده:	فدایی حسین، حسین، ۱۳۴۵ ـ مترجم
شناسه افزوده:	سرسنگی، مجید، مترجم
رده بندی کنگره:	۱۳۸۶ ۹ت۹/PN ۳۱۵۷
رده‌بندی دیویی:	۷۹۲۱۰۲۲۶
شماره کتابشناسی ملی:	۱۰۹۸۳۲۲

با همکاری دفتر تئاتر کودک و نوجوان

تئاتر برای بچه‌ها

راهنمای نویسندگی، اقتباس، کارگردانی و بازیگری تئاتر کودک و نوجوان (۲۶۱)

نویسنده: دیوید وود؛ باهمکاری ژانت گرانت

مترجم: رکسانا شاه‌جانی، سیدحسین فدایی‌حسین

ناشر: انتشارات نمایش

صفحه‌آرا: شیما تجلی

طرح جلد: بهرام شادانفر

لیتوگرافی : نوید

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۶

تیراژ: ۳۰۰۰

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸_۹۶۴_۲۷۴۷_۲۶_۹

www.ketab.ir

فهرست

- پیش‌گفتار/۱۳
- مقدمه/۱۹

فصل۱ ◄ **تئاتر بچه‌ها: یک قالب هنری منحصربه‌فرد/۴۷**

- تماشاگران خاص/۴۷
- چرا کودکان به تئاتر مخصوص خودشان نیاز دارند/۵۲
- به‌دنبال کیفیت/۵۵
- پیش‌کسوتان و سازندگان تئاتر کودک/۵۹
- افزایش استانداردها/۶۵

فصل۲ ◄ **فطرت کودکانه: بچه‌ها به چه چیز واکنش نشان می‌دهند/۶۷**

- **فعالیت و پویایی مخاطبان کودک/۶۷**
- ویژگی‌های متفاوت در مخاطبان کودک/۷۱
- خصوصیات مشترک مخاطب کودک/۷۹
- **داستان‌ها و مضامین مورد علاقه بچه‌ها: ایده‌های عملی برای صحنه /۹۷**
- فانتزی در عین واقعیت/۹۷
- اساطیر و افسانه‌ها/۱۰۰
- شراب کهنه در بطری‌های جدید/۱۰۳
- قصه‌های انسان‌گونه/۱۰۵
- جستجو/۱۰۷
- اسباب‌بازی‌ها و اشیاء بی‌جان/۱۰۹
- زندگی واقعی/۱۱۰

www.ketab.ir

- مضامین امروزی/۱۱۲
- قصه‌های پریان/۱۱٤
- وقایع غیرمنتظره و سایر اجزای تئاتر خوب برای بچه‌ها/۱۱۵
- ناگهانی بودن وقایع/۱۱٦
- طنز/۱۱۹
- شخصیت‌ها/۱۲۱
- موقعیت‌های مرگ و زندگی/۱۲٤
- زبان/۱۲۵
- سکوت/۱۲۸
- مشارکت مخاطب/۱۳۲
- میزان و اندازه/۱۳۹
- نمایش عروسکی/۱٤۱
- جادو در طرح داستان/۱٤۵
- ظاهر رنگارنگ صحنه/۱٤۷
- نورپردازی/۱٤۹
- صدا/۱۵۲
- موسیقی/۱۵۷
- نمایش صامت و حرکت/۱۵۹
- نقاط اوج و لحظات مهیج/۱٦۰
- عدالت و انصاف/۱٦۱
- تابوها یا عناصری که باید از آنها پرهیز کرد/۱٦۲
- نمایشنامه‌نویسی خلاق/۱٦۷

فصل۳◄

www.ketab.ir

- فن نوشتن یک نمایشنامه خلاق/۱۶۷
- چکیده‌نویسی/۱۶۸
- نُه مرحله نوشتن چکیده/۱۷۰
- مراحل چکیده‌نویسی برای نمایش *"مرد زنجبیلی"* /۱۹۰
- چکیده نمایشنامه *"مرد زنجبیلی"* /۲۱۵
- تغییرات بعدی در چکیده/۲۳۸
- مراحل چکیده‌نویسی برای نمایش *"درخت آلاکلنگ"* /۲۴۰
- چکیده نمایشنامه *"درخت آلاکلنگ"* /۲۵۸
- تغییرات بعدی در چکیده/۲۷۸
- نوشتن نمایشنامه/۲۷۹

فصل۴◄ **اقتباس نمایشی/۲۸۵**

- از متن تا اجرا: اقتباس از کتاب کودکان/۲۸۵
- چهار مرحله نوشتن چکیده برای یک اثر اقتباسی/۲۹۰
- مراحل چکیده‌نویسی برای نمایش *"غول بزرگ مهربان"* /۲۹۷
- چکیده نمایش *"غول بزرگ مهربان"* /۳۱۹
- تغییرات بعدی چکیده/۳۳۷

فصل۵◄ **کارگردانی و تیم تولید/۳۴۵**

- چالش/۳۴۵
- بخش۱. پیش از تولید/۳۴۶
- طراح صحنه و لباس/۳۴۹
- طراح رقص و حرکات موزون/۳۵۵

www.ketab.ir

- آهنگ‌ساز و سرپرست موسیقی/۳۶۰
- طراح صوت/۳۶۴
- نورپرداز/۳۶۶
- مدیر تهیه و مدیریت صحنه/۳۷۰
- انتخاب هنرپیشه/۳۷۳
- وظایف کارگردان/۳۷۹
- **بخش ۲. روزهای تمرین/۳۸۲**
- طراحی و تمرکز/۳۸۴
- سرعت/۳۸۷
- احترام به نمایش و مخاطب/۳۸۸
- متن: تعبیر، تفسیر و شفافیت/۳۹۱
- صداقت/۳۹۵
- شخصیت‌پردازی/۳۹۸
- کارگردانی وقایع غیرمترقبه/۴۰۳
- کارگردانی نقاط اوج/۴۰۹
- گفتار منفی/۴۱۵
- طنز/۴۱۸
- مشارکت مخاطب/۴۲۲
- تمرین‌های فنی/۴۲۹
- تمرین نهایی یا اجرای کامل/۴۳۶
- **بخش ۳. اجرای نخستین و پس از آن/۴۳۷**
- انواع گوناگون مخاطب/۴۴۰

www.ketab.ir

- بعد از نخستین اجرا/۴۴۹
- تعبیر و تفسیر واکنش مخاطب/۴۵۲

فصل۶◄ **بازیگری در تئاتر بچه‌ها/۴۷۵**

- **زحمت دو برابر، ارزش مضاعف/۴۷۵**
- مهارت‌ها/۴۷۷
- نگرش/۴۷۸
- بدگمانی/۴۸۴
- مشکلات بازیگران/۴۸۶
- شخصیت‌پردازی/۴۹۴
- مشارکت مخاطب/۴۹۶
- اولین اجرا/۵۰۲

فصل۷◄ **جنبه‌های تجاری/۵۰۵**

- **بازار کار تئاتر کودکان/۵۰۵**
- منابع اطلاعاتی/۵۰۸
- شرکت‌های حرفه‌ای تئاتر کودکان/۵۰۹
- شرکت‌های تئاتر آماتور/۵۱۳
- به‌دست آوردن حقوق اقتباس از کتاب دارای کپی‌رایت/۵۱۵
- انتشار نمایشنامه/۵۲۰

- **سخن آخر/۵۲۲**
- **ضمیمه/۵۲۳**

www.ketab.ir

پیشگفتار

کتاب *"تئاتر برای بچه‌ها"* حکایت تجربه‌های عالمانه آقای "دیوید وود" هنرمند پرکار و پرتجربه‌ای است که بیش از چهل سال از عمر خویش را به بازیگری، نویسندگی، کارگردانی و حتی نورپردازی در زمینه تئاتر کودکان سپری کرده‌است.

به گفته خودش: "این کتاب حاصل تجارب، آرا و دیدگاه‌های فردی است که سال‌هاست در زمینه تئاتر کودکان فعال است و موضوعات آن چیزی است که این هنر را از سایر قالب‌های نمایشی متمایز می‌سازد."

من، پیش از آن‌که ترجمه فارسی کتاب را ببینم، آوازه آن‌را شنیده بودم و لااقل یک‌سالی بود که بی‌صبرانه منتظر بودم کسی از اهالی تئاتر کودکان آستین همت بالا بزند و این کتاب را برای بهره‌گیری ایرانیان به فارسی برگرداند.

www.ketab.ir

هنگامی‌که آقای "فدایی‌حسین"، دوست هنرمندم به من پیشنهاد کردند برای ترجمه فارسی این کتاب پیشگفتاری بنویسم، بیش از هر انگیزه دیگری، حرص مطالعه زودهنگام و پیش از چاپ اثر، مرا به پذیرش این پیشنهاد واداشت.

با این‌که من از اهالی بومی محلّه تئاتر کودکان نیستم و اجاره‌نشین این وادی به حساب می‌آیم، اما با مطالعه این کتاب دریافتم که اهالی تئاتر کودکان در تمامی نقاط دنیا - کم و بیش- گرفتاری‌ها، شادی‌ها، انگیزه‌ها، مشکلات و موفقیت‌های همسانی دارند.

خواننده این کتاب خودش را در فراز و فرودهای بازدارنده و تشویق‌کننده این وادی، تنها و بی‌پشتوانه نمی‌بیند. حس می‌کند که تئاتر کودکان و نوجوانان ایران هم - اگرچه با ابعادی متفاوت- درگیر همان پیش‌درآمدها و پس‌زمینه‌هایی است که هم‌صداهایش در انگلستان و فرانسه و... و در نتیجه علاقه‌مند می‌شود که راه‌کارهای برون‌رفت از وضعیت امروزش را با بهره‌گیری از تجربه‌های پیش‌کسوت‌های نقاط دیگر دنیا جستجو کند.

کتاب *"تئاتر برای بچه‌ها"* با این‌که از زبان راوی نوشته شده، یک کتاب خاطره خودنوشت، یک کتاب شرح حال، یک یادداشت روزانه نیست، بلکه کتابی است کاملاً علمی، هنری و دانشگاهی که

www.ketab.ir

هم جنبه‌های تئوریک آن قوی است و هم کتابی است کاملاً کاربردی.

تا کنون در ایران، کتابی به این فشردگی و جامعیت برای دانشجویان، هنرمندان و هنرپژوهان به‌چاپ نرسیده‌است. هیچ گوشه‌ای از فرایند تئاتر کودکان نیست که در این کتاب به آن به‌صورتی عملکردی و علمی پرداخته نشده‌باشد. از جرقه ذهنی، تولد سوژه و تلاش برای پخته شدن سوژه و نویسندگی و بازنویسی تئاتر کودکان گرفته تا بازیگری و کارگردانی و نور و صحنه...

آقای "دیوید وود" هم در نقش سیاهی‌لشکر بازی کرده و هم بازیگر نقش نخست بوده، هم نویسندگی کرده و هم به بازنویسی قصه‌ها و افسانه‌های کهن پرداخته، هم شعر سروده و هم کارگردانی کرده و... در تمامی این تجربه‌ها، گاه با ناکامی و شکست روبه‌رو شده و گاه با اقبال و پیروزی.

وقتی بخش سوم این کتاب را می‌خواندم، باور نمی‌کردم که یکی از موفق‌ترین تئاترهای کودکان و نوجوانان جهان، یعنی نمایش "*مرد زنجبیلی*" چنان پیشینه اتفاقی و درعین‌حال چنان پیشینه علمی و آکادمیکی داشته‌باشد: به آقای دیوید وود سفارش می‌دهند که برای اجراهای فصل کریسمس، نمایشنامه‌ای برای اجرا در تئاتری کوچک و کم امکانات بنویسد. او به محدودیت‌های تئاتر آگاه است و می‌داند که فقط می‌تواند شش بازیگر در دکوری ثابت و ساده به

روی صحنه بیاورد. بی‌درنگ و بدون این‌که فکر و سوژه‌ای در نظر داشته‌باشد، پیشنهاد را می‌پذیرد. چندی بعد درحالی‌که اصلاً به اجرای سفارش فکر هم نکرده، سفارش‌دهنده تلفنی از او می‌خواهد نام نمایش خود را بگوید تا پیشاپیش مقدمات تبلیغ آن‌را فراهم کند. او که کاملاً غافلگیر شده می‌گوید: "نامی به ذهنم نرسید، چشمانم را بستم و گفتم، مرد زنجبیلی." پس از این اتفاق، دیوید فقط دکمه ناجوری در اختیار دارد که ناچار باید برایش لباس مناسبی تهیه کند. در این فصل کتاب او چگونگی سوژه‌یابی، موضوع‌سازی، شخصیت‌پردازی، قصه‌نویسی، نمایشنامه‌نویسی و اجرای موفق تئاتر *"مرد زنجبیلی"* و همچنین نمایش مشهور *"درخت الاکلنگ"* را صادقانه بازمی‌گوید.

این بخش کتاب که بی‌تردید، یکی از پرجاذبه‌ترین قسمت‌های کتاب است، تجسمی است کاملاً آموزشی، علمی و کاربردی و قابل تقلید.

در فصل چهارم، نویسنده بحث اقتباس از آثار ادبی و کتاب‌هایی که برای کودکان منتشر شده را پیش می‌کشد و راه‌های اقتباس ادبی برای تألیف یک نمایشنامه خوب را یاد می‌دهد.

پیچ و خم‌های اجرایی پس از تولید نمایشنامه، از انتخاب بازیگر و صحنه و دکور گرفته تا بازی‌سازی و کارگردانی، در بخش پنجم به شیوه‌ای پرجاذبه و آموزنده مورد توجه و بحث قرار گرفته‌است.

www.ketab.ir

خوشبختانه اغلب کتاب‌هایی که نویسنده در متن کتابش به آنها اشاره می‌کند، پیش از این در ایران ترجمه شده‌است. با اینکه عنوان بعضی از کتاب‌های ترجمه شده با آنچه که مترجمان این اثر برای عنوان کتاب‌ها انتخاب کرده‌اند، مطابقت ندارد اما بی‌تردید اهل فن این مشکل کوچک را حل می‌کنند و مثلاً می‌دانند که *"ساحره‌ها"* ی "رولد دال" چیزی جز *"جادوگرها"* یی نیست که در ایران چاپ شده و با اندکی جستجو می‌توانند به کتاب‌های مورد استناد این اثر دست پیدا کنند.

ترجمه کتاب نیز، ترجمه روان و قابل قبولی است. من نه متن اصلی اثر را در اختیار داشته‌ام تا درستی و نادرستی برخی از صفحه‌هایش را بررسی کنم و نه صلاحیت چنین کاری را دارم اما به‌عنوان یک خواننده، با متن فارسی کتاب مشکل عمده‌ای نداشتم. ترجمه کتاب را آن قدر رسا و دقیق و روان یافته‌ام که در پایان این پیشگفتار، سپاس خود را تقدیم مترجمان محترم این کتاب کنم و امیدوار باشم که این حکایت جاذب، تجربه‌های یک آدم پرتجربه، منبع قابل اعتمادی برای گسترش تجربه‌ها و آگاهی‌های هنرمندان و علاقه‌مندان به تئاتر و ادبیات کودکان و نوجوانان ایرانی قرار گیرد.

مصطفی رحماندوست

تهران/ ۱۳۸۶

www.ketab.ir

مقدمه

"در اواسط دهه شصت، زمانی‌که در "آکسفورد" بودم، به‌دیدن یک کمدی تجاری بزرگ در "نیو تئاتر" رفتم. اجرای عصر این نمایش بود و اکثر تماشاچیان را کودکان تشکیل می‌دادند. پیش از آن در کودکی، "پیتر پن" سال‌ها نمایش مورد علاقه من بود اما تئاتر کمدی و پانتومیم را هم دوست داشتم. حالا که کمی بزرگ‌تر شده‌بودم، نمایش را با دید متفاوتی نگاه می‌کردم بنابراین متوجه شدم روند داستان ضعیف است. نمایش، پرده‌های گوناگونی داشت و کودکان مخاطب، اغلب ناآرام بودند.

پس از این‌که کمدین معروف، خیلی سرسری از داستان گذشت، قسمت نیم‌ساعته اجباری خود را شروع کرد. به‌نظر من، این قسمت کاملاً خارج از روند لذت‌بخش نمایش بود. او در بخشی از کارش با انرژی تمام جوک نسبتاً زننده‌ای تعریف کرد که بچه‌ها معنی آن‌را نفهمیدند و بنابراین عکس‌العملی هم نشان ندادند. هنرپیشه معروف که پیدا بود از بی‌تفاوتی بچه‌ها دلخور

www.ketab.ir

شده‌است به‌طرف تعدادی از بزرگسالان که متوجه جوک او شده‌بودند و قاه‌قاه می‌خندیدند آمد و گفت: "چطوره اول بچه‌ها رو از این‌جا بیرون کنیم و بعد به کارمون ادامه بدیم!؟"

با شنیدن این حرف انگار که یک شوک الکتریکی تکانم داد. سرخ شده‌بودم و تَفَسم به‌شماره افتاده‌بود. با خودم فکر می‌کردم، آخر این مرد که برای سرگرم کردن عموم مخاطبان، دستمزد بالایی می‌گیرد، چگونه می‌تواند وقیحانه به‌ما بگوید که ترجیح می‌دهد فقط تماشاچیان بزرگسالش را سرگرم کند؟! مسلماً بچه‌ها استحقاق بهتر از این‌ها را داشتند. این اتفاق باعث شد متوجه شوم تعداد نمایش‌های مختصّ کودکان بسیار اندک است و باید برای این مشکل فکری کرد. این لحظه، نقطه عطفی در زندگی من بود."

بذر فعالیت‌های حرفه‌ای من در تئاتر کودکان خیلی زود کاشته‌شد. ابتدا، "پیتر پن"[۱] و نمایش‌های کمدی و پانتومیم بود و سپس در هشت‌سالگی، به تردستی و عروسک‌گردانی علاقه‌مند شدم. من تماشاخانه عروسکی اسباب‌بازی خود را دوست داشتم و با آن، نمایش عروسکی اجرا می‌کردم. در یازده‌سالگی هم یکی از اعضای کلوپ شبانه شدم که در آنجا آواز می‌خواندم و تردستی انجام می‌دادم.

---

۱. Peter Pan - برای توضیح به فصل ضمیمه / داستان‌ها مراجعه کنید. [م]

www.ketab.ir

در نوجوانی، در مهمانی‌های کودکان، تردستی و شعبده‌بازی اجرا می‌کردم. آن‌زمان وقتی در کارهای گذشته خود مروری می‌کردم متوجه شدم چگونه کودکان به آثار نمایشی واکنش مشترک نشان می‌دهند و چگونه می‌توان آنها را به دخالت در جریان نمایش تشویق نمود و مشارکت مخاطب را کنترل کرد. (البته من هنوز هم به تردستی علاقه‌مندم و اکنون عضو انجمن تردستی و شعبده‌بازی هستم و در تماشاخانه‌ها، *"شوی موسیقی و تردستی"*[1] خود را اجرا می‌کنم. حتی در نمایش‌های خود برای کودکان هم اغلب سعی می‌کنم تردستی و شعبده‌بازی را بگنجانم. اتفاقاً، تجربه کار تردستی به‌من کمک کرد تا وارد "آکسفورد" شوم؛ "کریستوفر ریکس"، معلم صبورم روزی اعتراف کرد، اگرچه توانایی‌های آکادمیک من بالاتر از حد متوسط است اما، به‌نظر او، تجربه‌هایی که پیش از ورود به دانشگاه کسب کرده‌بودم در پیشرفت کارم بسیار مفید واقع شده‌بودند. (او سه کودک کم سن و سال داشت و در مهمانی‌های تولّد آنها، حضّار را سرگرم می‌کردم.)

در نوجوانی، در نمایش‌های مدرسه، تئاترهای آماتوری محلی و فستیوال‌های نمایشی جوانان شرکت می‌کردم. چندین سال هم در دوره‌های آموزشی نمایش مخصوص جوانان، شرکت داشتم که یک معلم، نویسنده و کارگردان فوق‌العاده به‌نام "فرانک ویتبورن" آنها را

1.Magic and Music Show

اداره می‌کرد. او هنوز هم در هشتاد و پنج‌سالگی استاد من است و نخستین فردی است که اولین پیش‌نویس تألیفات مرا می‌بیند.

خوشبختانه قبل از رفتن به "آکسفورد" برای خواندن متون انگلیسی دو شغل پیدا کردم. در "بگنور رجیس" اعداد "بینگو"[1] را می‌خواندم و در آنجا با سرگرم کردن تماشاچیان علاوه بر خواندن اعداد، با آنان روابط دوستانه برقرار می‌کردم. دومین کارم، ایفای نقش سیاهی‌لشکر در تماشاخانه تازه افتتاح شده "فستیوال کیکستر" بود. عضوی حتی کوچک از فصل طلایی "سر لارنس الیویر" بودن، تصمیم و اراده مرا برای حرفه‌ای شدن دوچندان کرد. در "کیکستر"، هرروز با عجله از صحنه بیرون می‌دویدم، لباس سرباز *"ژاندارک قدیس"*[2] را درمی‌آوردم، با لباس زیر سوار تاکسی می‌شدم، در راه لباس رسمی می‌پوشیدم و سپس در رویال تئاتر روی صحنه می‌پریدم و فریاد می‌زدم: "به بزرگ‌ترین بینگوی بونگور خوش آمدید!" و همه این لحظات پرهیجان را دوست داشتم.

---

۱ . نوعی بازی با کارت، یا همان دبلنا. [م]

۲ . Saint Joan نوشته جرج برنارد شاو؛ نمایشی درباره ژاندارک دختر پانزده‌ساله‌ای که در دوران قرون وسطی می‌زیسته و با الهامات قدسین توانست فتوحات بسیاری به ارمغان آورد. اما انگلیسی‌ها او را دستگیر کردند. کلیسای آنزمان او را مرتد شناخت و به مجازات سوزاندن محکوم کرد. تمام پیکر او در آتش سوخت به جز قلبش. در قرن بیستم روح ژاندارک بر مردم ظاهر می‌شود و می‌گوید زمین و مردمانش تحمل کسانی که جلوتر از زمان خود قدم برمی‌دارند، ندارد. چندی بعد کلیسا، ژاندارک را قدیس اعلام می‌کند. [ویکیپدیا]

www.ketab.ir

در "آکسفورد" بیشتر به بازیگری و نوشتن می‌پرداختم تا انجام تکالیف درسی نمایش. در نمایش‌های تئاتر "آکسفورد"، تور اروپایی نمایش‌های "شکسپیر"، و چندین "فستیوال ادینبرگ" هم شرکت داشتم. شاید هیجان‌انگیزترین اتفاق برایم، نوشتن ترانه و ایفای نقش در نمایش "*سرت را پایین بینداز و بمیر*"[1] بود که یک کمدی ضد مجازات اعدام محسوب می‌شد. این نمایش پس از مدتی و به "اِند وِست" "لندن" منتقل شد.

پس از گرفتن مدرک دانشگاه – البته به‌زحمت– در برنامه کمدی دانشگاه به‌نام "*چهار درجه بالاتر*"[2]، هم در نوشتن همکاری داشتم و هم بازی کردم که باز هم خوشبختانه، به "اِند وِست" منتقل شد. بازیگران دیگر، "جان گولد" و "باب اسکات" (هم‌اکنون "سر رابرت") بودند که بعدها نمایش "*جغد و پیشی رفتند...*"[3] را با آنها در لندن روی صحنه بردم و نیز "آدل وستون" که دست بر قضا او هم نویسنده کودکان شد و من برای او ـ که پس از ازدواج "آدل گراس" نام گرفت ـ احترام بسیار قائلم.

پس از دوره‌ای استراحت اجباری که در طول آن معلم خصوصی زبان لاتین یک پسر پیش‌دبستانی بودم، در نوشتن یک نمایشنامه موزیکال مستند برای "تئاتر تراورس" در "ادینبرگ" همکاری کردم

1. Hang Down Your Head and Die
2. Four Degrees Over
3. The Owl and the Pussycat Went to See...

www.ketab.ir

و چند ماهی هم در "واتفورد" به مطالعاتی پیرامون تئاتر در آموزش وپرورش پرداختم. به این ترتیب در نخستین روزهای فرم جدید اجرای تئاتر که در "تئاتر بلگراد"، "کونتری" پیشگام آن بود، سهیم شدم و مطالب بسیاری درباره بازی برای نوجوانانِ ناسازگار در ساعت ۹:۳۰ صبح به‌من آموخت. در آنجا همچنین اهمیت تحرک و سرعت عمل و داشتن دو چشم پشت‌سر به‌هنگام بازی در تئاتر را متوجه شدم؛ چنانکه یک‌روز این اصول را رعایت نکردم و بچه‌ها آب دهان به‌رویم انداختند. این حادثه روی من تأثیر زیادی گذاشت و باعث شد بعدها به اجرا برای بچه‌های کوچک‌تر فکر کنم. یک نمایشنامه مشارکتی[۱] هم درباره "بودیکا" برای "واتفورد تای" نوشتم و با نوشتن آن سعی کردم بفهمانم که کودکان را باید جدی گرفت.

در سال ۱۹٦۷ در "تئاتر سوانِ" "ورسستر"، در زمینه "نمایش کوتاه" فعال بودم. نمایش *"فوت و فن"*[۲] و نمایش موزیکال جدیدی به‌نام *"هدیه‌ای از شرکت"*[۳] را کارگردانی کردم، و در *"شب دوازدهم"*[٤] نقش "فست"[٥] را بازی کردم و در نمایش *"Caste"*

---

۱. نمایشی که در آن از حضور فعال و مشارکت مخاطب در پیشبرد اثر استفاده می‌شود. [م]

2. The Knack

3. A Present From The Corporation

4. Twelfth Night

٥. نام دلقکی در نمایش "شب دوازدهم"

www.ketab.ir

هم نقش یک جوان را بـر عهـده داشـتم، در نمـایش *"خالـه(عمـه) چارلی"*[1] هم نقشی داشتم. سپس نخـستین فرصـت بـازیگری فـیلم به‌من رو کرد و نقش "جانی"، یک پسر مدرسه‌ای یـاغی را در فـیلم *"اگر..."*[2] ساخته "لیندسی اندرسون" ایفا کردم، که فیلم پرطرفـداری شد. شرایط متفاوت کار در دنیای فیلم، چـه‌بـسا ایـده دنبـال کـردن فعالیت حرفه‌ایم در تئاتر کودکان را برای من کم‌ارزش می‌کـرد، امـا با بازگشتم به "ورسستر" و با درخواست "جـان هـول"، کـارگردان "سوان"، برای تهیه چند نمایشنامه کودک، ناخواسته از فکر بازیگری در صفحه بزرگ سینما رهایی یافتم.

در ابتدا کار من فقط به صبح‌های شنبه محـدود مـی‌شـد. عمومـاً به‌همراه دیگر بازیگران در "مؤسسه سوان" مجری و بازیگر نمـایش بودم که معمولاً معجونی از داستان، تردستی و ترانه‌هـای کودکانـه را ارائه می‌دادیم. رفته‌رفته تعداد تماشاگران افزایش یافت و خیلـی زود مجبور شدیم به‌جای یک اجرا دو اجرا داشته‌باشیم. آن‌زمان احـساس می‌کردم این نمایش‌ها را دوست دارم چرا کـه از آنهـا بـسیار لـذت می‌بردم. در واقـع نـوعی سـلطه و قـدرت بـر تماشـاگران احـساس می‌کردم. آنان برای همراه شدن با نمایش و پیـروی از مـن، آنچنـان تمایل نشان می‌دادند که فکر مـی‌کـردم حتمـاً هـر کـاری را از آنهـا

1. Charley's Aunt
2. If...

www.ketab.ir

بخواهم، انجام می‌دهند. همان زمان بود که فهمیدم چگونه "انجمن جوانان هیتلر" می‌توانست نازی‌های جوان را شست‌وشوی مغزی دهد و به تبعیت کورکورانه وادار کند. کودکان به‌شدت تأثیرپذیرند، به‌همین دلیل مسؤلیت‌پذیری ویژگی مهمی برای بازیگران و هنرمندانی است که برای بچه‌ها کار می‌کنند.

سپس "جان هول" پیشنهاد کرد از "*جعبه آتش‌گردان*" [1] "هانس اندرسون" اقتباس کنم و نمایشنامه‌ای بنویسم. او پانتومیم نمی‌خواست چرا که سالن "تئاتر سوان" برای اجرای پانتومیم سنتی بسیار کوچک بود و از طرف دیگر او از پانتومیم خوشش نمی‌آمد. بنابراین به‌من گفت نمایش مناسبی برای کودکان بنویسم. او نگران مخاطب بزرگسال نبود چرا که معتقد بود اگر کودکان لذت ببرند، بزرگ‌ترها هم خوشحال می‌شوند. به اعتقاد او مشارکت مخاطب در پیشبرد نمایش خوب بود، اما باید قسمتی از داستان می‌شد و یا این‌که در نمایش نباید پرده‌های اضافه یا نامربوط وجود می‌داشت. شاید این حرف کمی عجیب به‌نظر برسد اما در آن‌زمان، چنین توصیه‌هایی کمابیش غیرعادی بود. حتی این سفارش که اقتباس از داستان "*آلیس در سرزمین عجایب*" [2] و یا "*جادوگر شهر اُز*" [3] برای

1. The Tinder Box
2. Alice in Wonderland
3. The Wizard of Oz

www.ketab.ir

آنکه مخاطبان گسترده‌ای داشته‌باشد می‌بایستی بسیار جذاب ارائه شود. به‌هرحال اصرار "جان" بر تمرکز روی تئاتر برای بچه‌ها، شیوه جدیدی در اجرای نمایش بود.

من هرگز اجرای *"جعبه آتش‌گردان"* را ندیدم- در آن‌زمان نقش "ویشی واشی"[۱] را در "واتفورد" اجرا می‌کردم- اگرچه بازیگران و کارگردان، آدم‌های با استعدادی بودند و برای زنده کردن داستان بسیار تلاش کردند اما فکر نمی‌کنم خیلی خوب از کار درآمده باشد. خوشبختانه "جان هول" از همکاری با من دست نکشید و سال بعد از من خواست نمایش موزیکال دیگری بنویسم. "سونیا دیویس"، منشی او، *"جغد و پیشی"* را پیشنهاد کرد و همین نمایش مرا پای بند و عاشق تئاتر بچه‌ها کرد.

هرچند فعالیت بازیگری من در تئاتر و سینما ادامه یافت اما همیشه نسبت به تئاتر بچه‌ها متعهد بودم. زمانی‌که چهارمین نمایشنامه‌ام را برای "ورسستر" نوشتم، به این اعتقاد رسیدم که مخاطبان به‌ما اعتماد کرده‌اند و دیگر نیاز چندانی به اقتباس از داستان‌های آشنا نیست بنابراین اولین نمایشنامه غیراقتباسی (اورژینال) خود به‌نام *"توطئه‌گران باغ کلم‌پیچ"*[۲] را نوشتم. بعدها "جاناتان لین" این نمایشنامه را در "لندن" به‌خوبی کارگردانی کرد.

---

۱. نام شخصیتی در نمایش علاءالدین[م]

۲. The Plotters of Cabbage Patch Corner - توضیح در فصل ضمیمه/ داستان‌ها

www.ketab.ir

هرچند مدتی بعد او با رفتن به هالیوود برای کارگردانی فیلم‌های غیراقتباسی مخاطبان بسیاری پیدا نمود اما کار "جاناتان" این ایده مرا تأیید می‌کرد که نمایش کودکان باید با جدیّت کارگردانی شود. به‌طور مثال او اختلاف بین حشرات باغ را کاملاً واقعی جلوه داد. همچنین موفقیت این اثر در سال‌های ۱۹۷۱ و ۱۹۷۲ به‌خاطر وجود "شیلا فالکونر" طراح رقص و "پیتر فونت‌زن"، سرپرست موسیقی بود؛ که البته هر دوی آنها از آن پس تا کنون با من همکاری می‌کنند. نقش آنان در شیوه کار من فوق‌العاده ارزشمند و مؤثر بوده‌است. "سوزی کالکات" هم در آن نمایش، طراحی صحنه و لباس بسیار جالبی ارائه داد. او اولین‌بار در نمایش *"جغد"* در لندن با من همکاری کرد و از آن به بعد طراح اکثر کارهایم بوده‌است. تعبیر و تفسیرهای دلسوزانه او از کارهای من بی‌نظیر است.

پس از آن، چندسالی به اقتباس توجهی نکردم و این ایده بزرگ در ذهنم بود که نوشتن غیراقتباسی، مهم‌ترین بخش و حتی نهایت و اوج هنر نویسندگی است. اما هنگامی‌که "جان هول" برای افتتاح "تئاتر کوئین" در "هورن چرچ"، "ورسستر" را ترک می‌کرد، مرا متقاعد کرد که صحنه بزرگ‌تر و امکانات بهتری که الان در اختیار ماست، می‌تواند مقدمه‌ای برای اقتباس از موضوعات پانتومیم باشد. همچنین کتاب‌ها و داستان‌های بسیاری با ایده‌های جالب توجه بودند که نادیده گرفتن موضوعات آنها کار احمقانه‌ای به‌نظر

می‌رسید. بنابراین آنها را "جایگزین‌هایی برای پانتومیم" نامیدم. چرا که آنها را به‌صورت نمایش‌های موزیکال برای کودکان و نه پانتومیم‌های سنتی تصور می‌کردم. این نمایش‌ها بعضی از اجزای پانتومیم را حفظ کرده‌بودند، اما گاهی، مانند نمایش *"بچه‌ها در جنگل جادویی"*[1] و *"کریسمس طلایی غاز مادر"*[2] داستان، خط سیر اصلی خود را داشت.

با نگاهی به گذشته، متوجه شدم اعتماد همیشگی "جان" به‌من در پیشرفتم تأثیر به‌سزایی داشته‌است. همین اعتماد باعث شد سیزده کار مخصوص ایام "کریسمس" برای او بنویسم؛ یک مأموریت کاری سالیانه و مداوم که رویای هر نویسنده‌ای است.

در اوایل دهه هفتاد، "کامرون مکین‌تاش" با پیشنهاد تولید نمایش *"جغد و پیشی رفتند..."* مشترکاً برای فصل "کریسمس" و تور ملی، وارد زندگی کاری من شد و از آن‌زمان تا کنون او اغلب از آثار من حمایت مالی کرده‌است که از این بابت همیشه سپاسگزار او هستم. اما شاید بتوان گفت نقش عمده او در پیشرفت من در سال ۱۹۷۶ آغاز گردید؛ زمانی‌که از من خواسته‌شد برای "تئاتر تُن‌گیت" "باسیلدون" یک نمایش کودک جدید بنویسم. این نمایش *"مرد*

1. Babes in the Magic Wood
2. Mother Goose's Golden Christmas

www.ketab.ir

زنجبیلی" [1] بود که در "رویال نورچ" و به کارگردانی "جاناتان لین" روی صحنه رفت.

"کامرون" که برای دیدن نمایش آمده‌بود فوراً پیشنهاد تولید مشترک آن‌را برای سال بعد در "لندن" داد. او "اولد ویک" را که سالن بی‌نظیری بود برای اجرا در نظر گرفت و نمایش در آنجا، با موفقیت چشمگیری، دو فصل "کریسمس" روی صحنه رفت. بعدها در چندین سالن "وست اند" و همینطور در تور گردشی هم این نمایش را اجرا کردیم. از آنجا که هیچگاه به‌دنبال کمک مالی نبودیم این نمایش هرگز به‌لحاظ درآمد موفق نبود و دلیل عمده‌اش هم قیمت ارزان بلیط‌ها بود چرا که می‌خواستیم مدارس را به‌دیدن نمایش ترغیب کنیم. با این حال عکس‌العمل مخاطب همیشه مثبت بود و "*مرد زنجبیلی*" به پرطرفدارترین نمایش تبدیل شد. این نمایش، بعدها حتی در سرتاسر جهان به‌روی صحنه رفت و یکی از جالب‌ترین خاطرات من دیدن کودکان ژاپنی بود که دقیقاً مانند هم سن‌وسالان انگلیسی خود، به آن واکنش نشان می‌دادند.

واکنش مخاطبان در سرتاسر بریتانیا به اجرای گردشی "*جغد...*" و "*مرد زنجبیلی*" به‌من ثابت کرد گردش در کشور بهترین راه معرفی اثر به اکثر مخاطبان است. بنابراین ایده تئاتر سیّار کودکان در کل کشور به‌تدریج، با جدیت به بحث گذاشته‌شد و در سال ۱۹۷۸

1. The Gingerbread Man

www.ketab.ir

"دبلیو اس جی پروداکشنز"، شرکتی که من با همکاری "جان گولد" و "باب اسکات" اداره می‌کردیم، تور آزمایشی *"فلیبرتی و پنگوئن"*[1] را آغاز کردیم. این تور با استقبال خوبی روبه‌رو شد، اما به‌طور قطع ثابت کرد برای حفظ استانداردهای اجرایی و در ضمن، پایین نگه‌داشتن قیمت بلیط‌ها به‌کمک و حمایت مالی نیازمندیم. حمایت مالی به‌مرور در پروژه‌های نمایشی تأثیرگذار شد و ما خوشبختانه توانستیم از "کمپانی کفش کلارک" بودجه خود را تأمین کنیم. آنها حامیان ایده‌آلی بودند چون با آن که هدایای ارزان و خوبی برای کودکان تهیه می‌کردند، هرگز از من نخواستند برای تبلیغ کمپانی‌شان، نمایشی درباره "کفش" بنویسم.

مدتی بعد تصمیم گرفتیم برای شرکت سیّار خود نام جدید "تئاتر ویرلیگیگ"(فرفره) را انتخاب کنیم. این شرکت به‌شکل یک مؤسسه خدمات عمومی و نه یک فعالیت تجاری، اداره می‌شد. اولین تور شرکت جدید، اجرای مجدد نمایش *"نوطئه‌گران باغ کلم‌پیچ"* بود. "شورای فعالیت‌های هنری سیّار" به کار ما علاقه‌مند شد و در طول دهه هشتاد از آن حمایت کرد. یک تور در هر دوره اجرا، به‌طور معمول در سالن‌های متوسط و بزرگ برای بیش از صدهزار کودک و نوجوان، برنامه اجرا می‌کرد. نمایش اکثراً عصرها اجرا می‌شد و مدارس برای دیدن آن می‌آمدند. کم‌کم معلمان و مربیان مدارس، به

1. Flibberty and the Penguin

www.ketab.ir

هم‌پیمانان ما تبدیل شده‌بودند و ما معمولاً سمینارهایی برای آنان برگزار کرده و بسته‌های ویژه‌ای به‌عنوان هدیه به آنها اهدا می‌کردیم.

زمانی که دومین نمایش "شرکت ویرلیگیگ"، *"فندق‌شکن شیرینی"*[1]، به‌خوبی در حال اجرا و گردش بود، به "تئاتر یونیکورن" رفتم و نمایش *"مگ و ماگ"*[2] را براساس کتاب‌های "جان پنکووسکی"[3] و "هلن نیکول"[4] نوشته و کارگردانی کردم. "مورین لیپمن" به‌خوبی نقش "مگ" را بازی کرد و اجرای این اثر بارها تجدید شد. با این نمایش، به مخاطبان کم سن و سال‌تر، معرفی شدم. اگرچه گروه‌های کودکان پنج تا هفت‌سال از مدارس ابتدایی برای دیدن نمایش می‌آمدند، اما گروه‌های کودکان پیش‌دبستانی از کودکستان‌ها و مهد کودک‌ها هم فوق‌العاده طرفدار این نمایش بودند.

در دهه هشتاد، صحبت با معلمان درباره علاقه و توجه روزافزون کودکان به طبیعت و محیط زیست، مرا به‌سوی نوشتن نمایشنامه‌های *"صدف خودخواه"*[5]، *"درخت الاکلنگ"*[6] و *"انسان را نجات دهید"*[7]

---

1. Nutcracker Sweet
2. Mag and Mog Show
3. Jan Pienkowski
4. Helen Nicoll
5. The Selfish Shellfish
6. The See-San Tree
۷. Save the Human - توضیح در فصل ضمیمه/ داستان‌ها

www.ketab.ir

سوق داد (که در اصل "شرکت تئاتر کمبریج" آنها را سفارش داده‌بود.) در این نمایش‌ها بسیاری از ایده‌های من برگرفته از تئاتر بچه‌ها با برخی از اهداف "تئاتر در آموزش و پرورش" ترکیب شد و به نتیجه‌ای انجامید که به‌نظر من یکی از بهترین دوره‌های کاری من است.

در دهه نود، حفظ برنامه‌های سیّار "ویرلیگیگ" در سالن‌های مهم، بسیار دشوار شد. در سال ۱۹۸۹، "قانون اصلاحات در آموزش و پرورش" به‌تدریج تئاترهای سراسر کشور را تحت تأثیر قرار داد. به‌موجب این قانون، گردش‌های نمایشی مدارس که قبلاً با کمک مالی والدین انجام می‌شد، اکنون باید از طرف مدارس تأمین بودجه می‌شد. اما از آنجا که مدارس بودجه‌ای برای این گردش‌ها نداشتند قانون به آنها این اجازه را می‌داد که برای دریافت کمک‌های داوطلبانه به‌سراغ والدین بروند؛ درحالی‌که تقریباً یک‌سوم مردم، به پرداخت این کمک تمایلی نداشتند. بنابراین، بسیاری از بلیط‌های رزرو شده برای نمایش‌ها، باید لغو می‌شد. به‌عنوان مثال، در فصل "سادلرز ولز" سال ۱۹۸۹ "شرکت ویرلیگیگ"، هفت‌هزار رزرو اجرا داشتیم اما وقتی که کار شروع شد، سه‌هزار رزرو لغو گردید. این مسأله در کل کشور تأثیر گذاشت. رزرو از طرف مدارس کاهش یافته‌بود و مدیران سالن‌ها مردد بودند که تئاتر کودکان را در برنامه

خود بگنجانند یا خیر. بنابراین شرکت‌های تئاتر کودکان نیز به‌سختی توانستند دوام بیاورند.

این قانون آموزش و پرورش هنوز هم پابرجاست، اما ظاهراً بسیاری از معلمان این جنبه آن‌را نادیده گرفته‌اند و به‌نظر می‌رسد مدارس همچنان به آوردن کودکان به تئاتر راغب هستند. درحال حاضر احساس می‌کنم روند حوادث تغییر کرده‌است و اجرای اخیر *"مرد زنجبیلی"* از سوی "ویرلیگیگ" در "میدان اسب‌دوانی بیرمنگام"، این نکته را تأیید می‌کند. در این اجرا، هزینه هر بلیط به‌علاوه حمل و نقل کودکان، پنج پوند برای مدارس بود. این ابتکار عملِ دور اندیشانه "پروفسور تیم بریگ‌هاوس" "رئیس آموزش و پرورش بیرمنگام" بود که اعتقاد داشت همه کودکان در "بیرمنگام"، مستحق رفتن به تئاتر هستند. زمانی در این شهر، تقریباً ده‌هزار کودک در هر هفته برای دیدن نمایش می‌آمدند و این یک تجربه فوق‌العاده موفق بود. بنابراین، به‌نظر می‌رسید قانون اصلاحات در "بیرمنگام" مانع بازدارنده‌ای نبوده‌است؛ با این همه از تأثیر ویران‌کننده این قانون نمی‌توان گذشت؛ تأثیری که جریان فعلی نمایش کودکان و نوجوانان، در حال اصلاح آن است.

این اتفاقات با تغییر رویکرد شرکت‌های تئاتری مصادف شد چرا که دیگر امکان‌پذیر نبود نمایش کودکان را حتی به‌عنوان یک سرویس مهم اجتماعی روی صحنه برد؛ چون بلیط ارزان‌قیمت اجازه

www.ketab.ir

نمی‌داد نمایش، سودآور یا حتی سربه‌سر باشد. از سوی دیگر به‌دست آوردن حمایت مالی و بودجه "شورای هنر" دشوارتر گردید و هم‌زمان، هزینه اجرای تولیدات نسبتاً بزرگ‌تر ما افزایش یافت و با این همه می‌بایست بهای بلیط را ارزان نگه می‌داشتیم (به‌عبارت دیگر، یک‌سوم بهای بلیط بزرگسالان). بنابراین شکاف و تفاوت‌های میان هزینه‌ها و درآمد احتمالی آنچنان افزایش یافت که پرکردن این شکاف، دشوار و گاهی غیرممکن بود. در نتیجه، برخی از نمایش‌های اخیر، بیشتر به‌سمت اجراهای تجاری و اقتباس از کتاب‌های معروف و محبوب کودکان رفتند.

در سال ۱۹۹۰ "جیمز وود" و "جاستین سَویج" از طرف مؤسسه "کلرین پروداکشنز" از من خواست داستان *"BFG"*[۱] اثر "رولد دال"[۲] را اقتباس و کارگردانی کنم. این نمایش با موفقیت در اجراهای سیّار و گردشی، به‌روی صحنه رفت و در "وست اند" در فصل‌های "کریسمس" با حضور تماشاگران بسیاری اجرا شد. پس از آن، از اثر دیگر "رولد دال"، *"ساحره‌ها"*[۳] اقتباسی انجام دادم که آن هم در "وست اند" در اجراهای گردشی روی صحنه رفت و نیز

۱. "غول بزرگ مهربان"- توضیح در فصل ضمیمه/ داستان‌ها

۲. Roald Dahl - توضیح در فصل ضمیمه/ زندگی‌نامه‌ها

۳. The Witches – این اثر با عنوان "جادوگران" با ترجمه خانم تهماسبی توسط نشر مرکز منتشر شده است [م].

www.ketab.ir

دو اقتباس دیگر براساس کتاب‌های *"نادی"* اثر "انید بلایتون"[۱] به‌همین منوال اجرا شدند. تمام این تولیدات با دقت و هماهنگی اجرایی زیادی به‌نمایش در آمدند. در بسیاری از آنها هم اعضای تیم "ویرلیگیگ" را به‌کار گرفتیم و من از این نتایج بسیار خرسند بودم.

با این‌حال امیدوارم به‌زودی بار دیگر ارائه نمایش‌های غیرتجاری، بدون استفاده از داستان‌های معروف و شناخته‌شده برای مدارس امکان‌پذیر گردد. این بدان معنا نیست که مدارس به‌دیدن نمایش‌های تجاری نمی‌آیند؛- بسیاری از مدارس این کار را انجام می‌دهند.- و باز این بدان معنا نیست که نمایش‌های غیرتجاری برای مخاطبان خانوادگی در تعطیلات آخر هفته مناسب نیستند اما تغییر عملکرد از نوعی خدمت عمومی به سمت‌وسوی تجاری شدنِ محض، روندی است که آینده تئاتر کودکان و نوجوانان را تهدید می‌کند.

نمایشنامه‌هایی که برای بچه‌ها نوشته‌ام تقریباً به چهل عنوان می‌رسد و بسیار خوش‌اقبال بودم که اکثر آنها نمایشنامه‌های سفارشی بودند. از سوی دیگر "شرکت سامونل فرنچ" تمام آنها را منتشر کرد و افراد حرفه‌ای و آماتور در سراسر بریتانیا، بسیاری از آنها را به‌طور مرتب اجرا می‌کنند. برخی از آنها هم با موفقیت در خارج از کشور روی صحنه رفته‌است. هرچند تا کنون به‌دلیل هزینه سرسام‌آور، بردن هیچ‌یک از تولیداتم به دیگر کشورها امکان‌پذیر

---

۱. Enid Blyton - توضیح در فصل ضمیمه/ زندگی‌نامه‌ها

www.ketab.ir

نبوده‌است. حتی نمایش *"مرد زنجیلی"* (با یک دکور ثابت و شش بازیگر) نتوانست در "جشنواره کودکان ونکوور" به‌نمایش درآید چون اجرای آن به یک سالن استاندارد تئاتر نیاز داشت (نه یک خیمه بزرگ و نصب دکور و هماهنگی اجرا، یک روز کامل وقت می‌برد نه فقط چند ساعت.)

علی‌رغم این‌که همواره قانع کردن تشکیلات نمایش برای توجه به اهمیت کار تئاتر بچه‌ها، برایم نوعی مبارزه بود، می‌دانم که تلاش‌هایم در آن‌زمان کار درستی بوده‌است. نوشتن و کارگردانی نمایش در مقایسه با برنامه‌ریزی و ترتیب‌دادن اجرا و تأمین بودجه و... وقت بسیار کمتری می‌گرفت اما هر بار که مخاطب به کار من واکنش مثبت نشان می‌داد می‌دانستم تمام این تلاش‌ها ارزشمند است. اکنون، بسیاری از بازیگران، نویسندگان و کارگردانانی که در حال حاضر نه‌تنها به تئاتر کودکان علاقه‌مندند، بلکه صادقانه اراده کرده‌اند در این زمینه فعالیت نمایند مرا در این راه تشویق می‌کنند. آنان بدون شک درآرمان‌های کسانی که در دهه شصت، آغازگر این تئاتر بودند و هنوز معتقدند کودکان مهم‌ترین مخاطبان هستند، سهیم می‌باشند.

من تئاتر بچه‌ها را چالش‌انگیزتر و نتایج آن‌را- اگرچه نه لزوماً مادی- بیشتر و مؤثرتر می‌دانم. من به‌عنوان نویسنده، کارگردان و تهیه‌کننده تئاتر کودکان، معتقدم خلق یک اثر جدید، نوشتن و

www.ketab.ir

پرداختن آن از طریق تمرین و بازی، جلسات قبل از تولید، و تمرین قبل از اجرای افتتاحیه، همیشه کاری ترسناک و در عین‌حال هیجان‌انگیز است. هیچ‌چیز به‌اندازه نشستن در تالار اجرا و دیدن سالنی پر از بچه‌ها که همه یک‌صدا کار را تأیید می‌کنند برایم رضایت‌بخش نیست.

هدف اصلی آن است که مخاطب، تجربه نمایشی منحصربه‌فردی را کسب نماید، مخاطبانی که اکثراً اولین‌بار است به تئاتر می‌آیند. بنابراین باید با آنها از لحاظ عاطفی ارتباط برقرار کرده، به داستان علاقه‌مند نماییم؛ با استفاده از قابلیت‌های نمایشی، آنها را هیجان‌زده کنیم و بخندانیم؛ به تفکر و حرکت وادارید و با تحریک قوه تخیل‌شان آنها را سرگرم کنیم و درعین‌حال آموزش دهیم. چنین هدفی در تولید و اجرای تئاتر برای بچه‌ها، در طول سالیان، هرگز برایم از بین نرفته‌است. اگر غیر از این بود، شاید تعهّد راسخ من به تئاتر کودکان به‌تدریج محو می‌شد اما هر نمایش و هر تولید جدید، "آدرنالین" بدن مرا تحریک می‌کند و باعث اعتماد به‌نفس بیشترم می‌شود و مرا به ادامه نبرد و مبارزه فرا می‌خواند.

اما در خصوص نوشتن این کتاب که حاصل سال‌ها تجربه و مطالعه من در خصوص تئاتر کودکان و نوجوانان است باید بگویم: "جانت گرانت" مرا به نوشتن آن ترغیب کرد. او ساختار و چارچوب این کتاب را طرح‌ریزی کرد و به‌من در تحلیل و تشریح

www.ketab.ir

موضوعات آن کمک نمود. من بابت شکیبایی و پشتکار او و توانایی ماهرانه‌اش در پرسیدن سؤالات به‌جا و مناسب در طول نوشتن این اثر، بسیار سپاسگزار هستم. "جانت" با نشان‌دادن علاقه‌ای حرفه‌ای به تئاتر کودکان، مرا برآن داشت دریابم در زمینه آموزش رسمی و قابل دسترس برای افراد علاقه‌مند در این حوزه، منابع علمی و آموزشی اندکی وجود دارد. از آن‌زمان به بعد فعالیت حرفه‌ای من صرف تلاش برای افزایش تعداد افراد فعال و جوانی شده‌است که تئاتر کودکان را یک گزینه جدی تلقی می‌کنند. با این‌حال همواره نگرانم مبادا این فرضیه که تئاتر کودکان به‌نحوی در مقایسه با تئاتر بزرگسالان کم اهمیت‌تر است رایج و متداول شود. هرچند شاید ما در این زمینه مقصر باشیم. شاید آنچنان که باید و شاید بر طبل خود نکوبیده‌ایم. چه‌بسا هنوز همکاران بزرگسال خود را در حوزه تئاتر، منتقدان و یا در واقع کل مردم را درباره اهمیت و ضرورت کارمان و پیشرفت‌های بسیار کیفی آن و تنوع در طول سالیان اخیر، متقاعد نکرده‌ایم. شاید اکنون وقت آن رسیده‌است تا آنان که در کلیه ابعاد تئاتر کودکان فعالیت دارند، بی‌پرده صحبت کنند و حمایت خود را اعلام دارند.

در این کتاب سعی کرده‌ام عشق و علاقه خود نسبت به تئاتر کودکان و نوجوانان را با دیگران تقسیم کرده و آنها را تشویق نمایم تا به این حوزه هیجان‌انگیز قدم بگذارند. می‌خواهم این تصور واهی

www.ketab.ir

را از بین ببرم که نوشتن، بازیگری و یا کارگردانی تئاتر برای بچه‌ها، کار آسانی است. این‌کار به‌هیچ‌وجه ساده و آسان نیست اما دلیل این‌که اغلب به‌نحو بدی انجام می‌شود آن است که درباره تئوری‌های نمایشی تئاتر کودکان و نوجوانان، کتاب‌های اندکی به‌چاپ رسیده‌است و در نتیجه، افراد فعال در تئاتر به عمق گستردگی این شکل هنری پی نبرده‌اند. من در این کتاب، به‌منظور ترغیب و تشویق همه فعالان تئاتر که به دنیای کودکان وارد شده‌اند، می‌خواهم دانشی را که در طول سالیان بسیار تجربه نوشتن، کارگردانی و بازیگری برای کودکان به‌دست آورده‌ام، جهت تولیدات نمایشی با بهترین کیفیت، در اختیار آنان قرار دهم. لازم به‌ذکر است که از برخی عبارات و واژه‌های کتاب تعبیرهای خاصی دارم که حاصل تجربیات من است. برای مثال منظورم از تئاتر بچه‌ها، نمایش‌هایی است که بزرگسالان حرفه‌ای یا آماتور در سالن‌های تئاتر برای بچه‌ها اجرا می‌کنند. من درباره پانتومیم مطلب نمی‌نویسم. اگرچه از برخی تکنیک‌های پانتومیم بهره گرفته‌ام. همچنین موضوع کتاب من تئاتر جوانان و بزرگسالان نیست که بزرگسالان در آن ایفای نقش کنند. از سوی دیگر اگرچه از تئاتر در آموزش و پرورش و اجراهای سیّار بازیگران یا معلمان، مطالب بسیاری آموخته‌ام، اما در این کتاب به بررسی آنها نپرداختم. به‌هرشکل امیدوارم همه افراد علاقه‌مند به انواع تئاتر کودکان و نوجوانان، مطلبی مرتبط با علاقه‌مندی خود در

www.ketab.ir

میان گفته‌های من بیابند و یقیناً علاقه‌مندی خاص من به این حوزه، به‌معنای ارزش قائل نشدن به اهداف و دستاوردهای سایر رشته‌ها نیست. از سوی دیگر، با توجه به آن که من هرگز در نوشتن، اقتباس، بازیگری یا کارگردانی تئاتر، آموزش رسمی ندیده‌ام شاید نوشتن درباره این چهار حوزه مهم تا حدی گستاخانه به‌نظر برسد اما با توجه به مطالعه و تجربه طولانی در این زمینه‌ها، احساس می‌کنم مطالب بسیاری آموخته‌ام که هم در راستای اهداف آموزشی مفید خواهد بود و هم زمینه‌ای است برای بحث و تبادل نظر در آینده. لازم به‌ذکر است که نوشتن، اقتباس، بازیگری، و یا کارگردانی تئاتر کودکان به یک شیوه واحد صورت نمی‌گیرد و قرار هم نیست این کتاب به همه شیوه‌های موجود به‌یکسان بپردازد. بنابراین هرگز نبایست چنین تصور شود که تئاتر کودکان و فنون آن تنها همان چیزی است که در این صفحات به نگارش درآمده‌است. این کتاب تنها حاصل تجارب، آراء و دیدگاه‌های فردی است که سال‌هاست در زمینه تئاتر کودکان فعال است و موضوعات آن درباره آن چیزی است که این هنر را از سایر قالب‌های نمایشی متمایز می‌کند.

دیوید وود

www.ketab.ir

هنگامی‌که در سال ۱۹۹۳ به انگلستان آمدم، "تئاتر یونیکورن" در "لندن" با لطفی که به‌من داشت، بـه دیـدن تمـام تولیـدات نمایـشی جدید خود دعوتم می‌کرد. در یکی از این اجراها، نمایش موزیکـالی مخصوص کودکان را تماشا کردم که بسیار منسجم، خوش‌ساخت و هماهنگ بود به‌طوری که با دیدن ایـن نمـایش، مفتـون و شـیفته آن شـدم. هنگـام قـدم‌زدن در سـالن انتظـار، عنـاوین و اسـامی دست‌اندرکاران آن‌را خواندم و متوجه شدم "دیوید وود" نه‌تنها ایـن نمایشنامه را نوشته بلکه ترانه‌ها و موسیقی آن‌را هم خلق کرده‌اسـت و درضمن کارگردان نمایش هم هست. بنابراین جای تعجب نبود که نمایش، همانند یک قطعـه جـادویی از "سـاعت کـوکی سوئیـسی" هماهنگ و منظم کار می‌کرد! توانایی و قـدرت اجـرا آن قـدر بـرایم جالب بود که حدود نیم‌ساعت تلاش کردم تا جرأت رفتن بـه‌سـراغ "دیوید" را پس از پذیرایی بعد از اجرای نمایش پیدا کنم و بگـویم: "تبریک می‌گم. نمایش فوق‌العاده‌ای بود!" من معمولاً فرد کـم‌رویـی نیستم اما آن‌روز نمی‌توانستم کلامـی بگـویم؛ بنـابراین سـرانجام راه ساده‌تری را انتخاب کردم، نامه‌ای برای او نوشتم و همه احـساس و اعتقادم را بیان کردم؛ این کتاب، نتیجه همان نامه است.

جانت گرانت

www.ketab.ir

"کودک، پدر بشر است."[1]

("ویلیام وردزورث"، "نشانه‌های جاودانگی")

در اواخر قرن هجدهم، شاعری از میان مردم انگلستان با تکیه بر فلسفه شرق، خلقت جهان و جهانیان را ماحصل خرد و قوه تخیل خداوند دانست. "ویلیام بلیک"[2] در دنیای فلسفه‌زده آن‌زمان، اولین کسی بود که برای قدرت تخیل، ارزش ویژه‌ای قائل شد و تمام خلاقیت انسان‌ها را که در واقع بخشی از جهان خلقت و وجود خداوند است در بیکرانگی تخیل‌شان دانست و بر این سخن مولانا تأکید کرد که می‌گوید: "پای استدلالیون چوبین بود."

یکی از ویژگی‌های کتاب حاضر - "تئاتر برای بچه‌ها"- تأکید بر این مهم است. نویسنده کتاب معتقد است که با پرورش درست تخیل کودکان، می‌توان خلاقیت آنها را برانگیخت. چرا که در عالم خیال، هر ناممکنی ممکن است، پس می‌توان با تحریک تخیل کودکان، خلاقیت آنان را در عالم واقعیت از شرایط بالقوه به‌حالت بالفعل رساند.

1. "The Child is Father of the Man."
2. William Blake

www.ketab.ir

طبق نظر "دیوید وود"، شاید بتوان گفت: کودکان مخلوقات ساده و درعین‌حال پیچیده‌ای هستند که به راحتی نمی‌توان آنها را فریب داد؛ گرچه در شرایطی خاص، به‌سرعت تابع افکار ما می‌شوند.

دنیای درونی و بیرونی کودکان و نوجوانان، متفاوت از بزرگسالان است و بی‌جهت نیست که در حوزه ادبیات، شاخه جداگانه‌ای به‌نام ادبیات کودکان و نوجوانان وجود دارد. آنها به "شعر"، "داستان" و "نمایش" (تئاتر) مخصوص خودشان نیاز دارند. در دهه‌های اخیر به‌خصوص در کشور ما، به‌جرأت می‌توان گفت در "شعر" و "داستان" به این مسأله توجه ویژه‌ای شده‌است اما در حوزه "نمایش"، هنوز کم و کاستی‌های زیادی وجود دارد.

کتاب "تئاتر برای بچه‌ها" که حاصل چند دهه تجربه مستمر یکی از دست‌اندرکاران تئاتر کودک و نوجوان است می‌تواند نمونه مؤثر و مثال روشنی از تلاشی باشد که می‌بایست در این عرصه صورت گیرد. از سوی دیگر، کتاب حاضر شاید مصداق جالبی از این شعر "ویلیام بلیک" باشد که:

"سکوت دره‌ها را با آوای نی می‌شکستم
که بر روی ابری، کودکی دیدم خندان
او به‌من گفت:
"با نی، آوازی برای بره بخوان" و من با شادی فراوان خواندم
ـ "دوباره بخوان" و دوباره خواندم و او گریست.

www.ketab.ir

- "نی‌ات را کناری بگذار و شاد بخوان" و من دوباره خواندم

و او

با شنیدن صدای من از خوشحالی گریست.

- "نی‌زن، بنشین و تمام این آوازها را در کتابی بنویس تا همگان بخوانند..."

و از دیدگانم ناپدید شد.

و من از نی، قلمی ساختم و آب زلال را با قلم خود رنگین کردم

و نوشتم آوازهای شاد را تا هر کودکی از شنیدن آن شاد شود."

("مقدمه آوازهای معصومیت و تجربه")[1]

امید است تمامی علاقه‌مندان و دست‌اندکاران تئاتر کودک و نوجوان نیز با خواندن این کتاب شاد شوند. چرا که نویسنده در نهایت دقت و دلسوزی، به تشریح چگونگی تهیه تئاتر کودکان پرداخته است.

این کتاب می‌تواند راهنمای مناسبی جهت ساختِ با کیفیت این گونه نمایشی باشد. کیفیت و قابلیت بالایی که کودکان ما مستحق آن

1. Introduction from the songs of Innocence and Experience

www.ketab.ir

هستند. فراموش نکنیم که همواره باید در حد توان، به کودکان بهترین‌ها را ارائه دهیم.

و در نهایت این‌که، بیایید کودکانمان را مانند خودشان دوست بداریم، ساده، بی‌آلایش و پاک...

رکسانا شاه‌جانی

سیدحسین فدایی‌حسین

www.ketab.ir